

طرحنامه گرسی ترویجی

۱. عنوان گرسی:

عنوان فارسی: **دو فساد و سرکشی جهانی اخرا زمانی بنی اسرائیل، و رسالت ایرانیان در سرکوبی آن**

عنوان انگلیسی:

عنوان عربی:

۲. خلاصه طرحنامه: (حداقل ۱۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ کلمه):

الف. شرح موضوع: موضوع گرسی ترویجی بطور دقیق و علمی شرح داده شود: قرآن کریم، در سوره بنی اسرائیل، آیات ۴ الی ۸ به طور قطعی و با تاکید شدید، از دو فساد و سرکشی بزرگ بنی اسرائیل در آینده تاریخ یهود (بعد از نزول تورات)، و از دو سرکوبی آنان توسط "عبادا لنا" خبر می دهد. این تاکیدات شدید، نشانگر آن است که این دو فساد و سرکشی بزرگ یهود از دیگر فتنه های یهود متمایز است و اهمیت ویژه ای دارد و ضروری است امت اسلام توجه ویژه ای بدان داشته باشند؛ اینکه این دو فتنه در چه زمانی رخ داده و یا رخ خواهد داد میان اهل تفسیر، و روایات ذیل ایه شریفه، اختلاف شدیدی وجود دارد. تحقیق حاضر، بر این نظر تاکید دارد که این دو پیشگویی از تبهکاری و سرکشی بزرگ بنی اسرائیل ناظر به دوره اسلام، و آخر الزمان است و اولی قبل از ظهور رخ داده، توسط مومنان مخلص سلحشور (عبادا لنا اولی باس شدید) سرکوب می شود و دومی ناظر به قرب ظهور است که به رهبری مستقیم امام زمان (ع)، توسط یاران امام زمان (ع)، سرکوب خواهد شد.

حال، به بررسی تفصیلی آیات مربوطه و نقد نظرات و ارائه نظر نهایی می پردازیم:

دو فساد و سرکشی جهانی آخر زمانی بنی اسرائیل و رسالت ایرانیان در سرکوبی آن

و قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفُسِدْنَ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلِتَعْلَنَ غُلُوبًا كَبِيرًا (اسراء ۴)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (۵)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (۶)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا؛

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءَ وُجُوهُكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عُلُوًّا تَتَّبِعُونَ (۷)

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَ إِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (۸)

فعل "قضی" با "الی" متعدی نمی شود، یک نوع مفهوم ارسال و اخبار دارد و باب تضمین است. دو معنا را مرکبا می رساند اعلانی است که همراه با قضای حتمی است.

خطاب ایه "لتفسدن" به قرینه "الی بنی اسرائیل" ناظر به یهود است که معرکه دار این تبهکاری خواهند بود.

"فی الکتاب" ناظر به تورات است؛ چرا که خطاب به عموم یهود است و ذهن عموم مردم با کتاب لوح محفوظ سروکار ندارد از این رو، باید این پیشگویی اولین بار در خود تورات حضرت موسی (ع) آمده باشد: در آینده دو بار تبهکاری و سرکشی بزرگ و فوق العاده ای از شما بنی اسرائیل حتما حتما، و بدون هیچگونه شک و تردیدی، سر خواهد زد.

"فی الارض مرتین": مقصود ایا خاورمیانه است یا کل زمین؟

تاکیدات دو فعل مخاطب "لَتُفْسِدَنَّ" و "لَتَعْلَنَّ" به ویژه امدن قید "عُلُؤًا کَبِيرًا"، نشانگر آن است که این رخ داد، باورنکردنی است؛ تا آنجا که حتی محل انکار و تعجب شدید حتی خود یهود است. در حالی که از آیات دیگر قرآن که ناظر به عملکرد بنی اسرائیل، است، معلوم می شود که تبهکاری های آنها بیش از دو بار و مکرر رخ داده، است؛ و قرآن کریم از آن ها، گاه در خطاب به خود یهود و گاه به صورت غایب، بدون ادات تاکید یاد می کند:

"أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ ... وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ" (بقره/۸۷)؛

"أَقُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي ... فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ..." (آل عمران/ ۱۸۳)

"قُلْ فَلِمَ قَتَلْتُمْ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ" (بقره/۹۱)؛

"وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ" (بقره/۶۱)؛ "وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ" (آل عمران / ۲۱)؛

در این آیات، از جرم های مکرر آنان، مثل کشتن انبیاء، یاد می شود، اما عجیب است که عادی از آنها سخن می گوید: «تقتلون انبیاء الله»؛ لسان گزارش عادی و بدون تاکید است؛ یعنی کشتن پیامبران برای آن ها بدیهی بوده است و یهودیان خود، آن را امری عادی می دانستند که نیازی به تاکید ندارد!

و این بدان معنی است که "مرتین" ناظر به دو حادثه ویژه و متفاوت از دیگر موارد است.



پاکستان
از کرسی های نظریه پردازی، مهد و مآثره

"بسم الله الرحمن الرحيم"

با این بستر ادبیات قرآنی، معلوم می شود: تاکیدات آیه ۴، به گستره ی انجام جرم تاکید دارد نه کیفیت آن.

فساد در زمین نیز دوبار است؛ خصوصاً، تعبیر "وعد الاخره" بجای "وعد الثانيه" بر آن تاکید دارد.

حال آیا مقصود از "فی الارض" منطقه خاورمیانه است یا کل زمین؟

دامنه شرارت قابل ذکر بنی اسرائیل، بویژه پیغمبر کشی تا زمان نزول قرآن، در گستره خاورمیانه، بوده است؛ و در عین حال، در قرآن کریم، بدون تاکید و تعجب از آن یاد می شود؛ و از اینجا معلوم می شود این دو فساد و سرکشی بزرگ، شرارتی جهانی است؛ اینکه قومی اقلیت، با شرارتهایشان، جهان را به هم زنند، تعجب دارد!

یعنی، یهودیان هم، اصلاً تصور نمی کردند که در چنین گستره وسیعی (فی الارض) دچار فساد شوند. با این جمعیت کم، چگونه ممکن است بتوانند آنان فساد را انجام دهند که کل زمین را در بر گیرد؟! (هم اینک، در زمان حاضر، امار رسمی جمعیت یهود در جهان، کمتر از ۲۰ میلیون می باشد)

"فساد" ناظر فروپاشی شیرازه امور است؛ و «علو» در کنار فساد به معنای "قانون گریزی و گردنکشی نسبت به همه قوانین فطری و شرعی" است.

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (۵)

فعل "بعث" متعدی است؛ و در کاربرد قرآنی صرفاً با اسناد به ذات مقدس الهی آمده است؛ و در همه موارد دیگر، "فعل مبعوثین"، تماماً ناظر به امری مورد تایید خدا است:

"فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ" (بقره/۲۱۳) / "إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا" (بقره/۲۴۷) / "لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ" (ال عمران/ ۱۶۴) / "فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْآتَ أَخِيهِ" (مائده/۳۱) / "أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا" (فرقان/ ۴۱) / "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ" (جمعه/۲) / "ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ" (اعراف/ ۱۰۳) / "ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ ... ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ" (يونس/ ۷۴- ۷۵) / "وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ" (نحل/۳۶) / "فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا" (اسراء/۵) / "قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا" (يس/۵۲) /

این کاربردها، یکی از قرائن، تایید فعل "عبادا لنا"، از جانب خدا است.

فعل "بعث" با "علی" متعدی شده است که از باب تضمین است و معنای تهاجم دارد:

"عبادا لنا" که با صلابتند و "باس شدید" دارند. در پاسخ به فتنه اول شما، به شما یهودیان مفسد و گردنکش، تهاجم می کنند. که در نتیجه شما شکست خورده به سوراخها پناه می برید و آنان وجب به وجب منطقه فلسطین را جستجو می کنند تا شما را از سوراخها بیرون کشیده، مجازات کنند و این وعده ای قطعی است و رخ خواهد داد. و جای هیچگونه شکی نیست (از باب اینکه، بدایی در کار نیست و حتمی الوقوع است)

به قرینه "وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ" معلوم می شود: مرکز فتنه یهود، فلسطین با محوریت مسجد الاقصی می باشد که با فتح آن، در فتنه اول و دوم یهود، فتنه آنان به پایان می رسد.

"عبادا لنا"؛ عباد در خلقت هستند یا عباد در عبادت؟

اگر عبادت در خلقت باشند بت پرستان را نیز شامل می شود. اما اگر عباد در عبادت باشند فقط شامل مؤمنان می شود.

"عبادا لنا" در اینجا موصوف و صفت است. این تعبیر وصفی، دو بار دیگر، در قرآن به کار رفته است. که ناظر به عبد در عبادت است:

"ثُمَّ يَقُولُ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ..." (ال عمران/ ۷۹)

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (نساء/ ۱۷۲)

به ویژه ایه دوم نشان می دهد "عبد لله" بودن منزلت ملائکه مقرب و منزلت انبیاء عظام امثال حضرت عیسی بن مریم (ع) می باشد و ویژگی ای که فراتر از تدین عموم اهل ایمان و تدین را نشانگر است.

در اینجا نیز مشخص است که منظور از "عباد لنا" مومنین مخلص هستند که تمام زندگی آن ها در خدمت دین است و دین و شخصیت شان، مرضی خداوند است و سطح ایمان و تدینشان بالاتر از سطح عموم اهل اسلام می باشد.



پست ثابت
از کرسی های نظریه پردازی، تدوین و تفسیر

"بسم الله الرحمن الرحيم"

از ایه " فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتَّبِرًا " (اسراء/۷)، معلوم می شود: این "عبادا لنا" بودن، ویژگی مشترک مهاجمین به یهود در فتنه اول و دوم یهود می باشد.

دین مرضی خدا به بیان ایه اکمال دین، دینی است که مبتنی بر پذیرش ولایت جانشینان پیامبر خدا باشد و این معنی در امت اسلام ناظر به پذیرش ولایت اهل البیت (ع) باشد:

"الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا" (مائده/۳)

فتنه دوم یهود و سرکوبی آن:

در ادامه ایه شریفه، خداوند از تجدید قوای مالی و نیروی نظامی یهود مفسد و گردنکش، بعد از گذشت حداقل، یک دوره تاریخی خبر می دهد:

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (اسراء/ ۶)

"ثم" تراخی قابل توجه را افاده می کند؛ که در هر موضوعی به حسب ان، معنی می شود؛ در اینجا، که تحولات تاریخی و رفت و آمد دولتها را نظر دارد؛ حداقل گذر یک دوره تاریخی را افاده می کند؛ که ناظر به گذشت حداقل یک نسل می باشد؛ (حدود ۲۵ الی ۳۰ سال بعد)؛

یعنی پس از گذشت حداقل یک نسل بعد، دور اقتدار مالی و کثرت عده و عده نظامی به دست شما یهودیان مفسد و گردنکش می افتد (مقصود از "کم": شما یهودیان). و بر "عبادا لنا" (اهل ایمان) پیروز در فتنه اول، تهاجم می کنید و آنان را بالاخره شکست داده، دوباره بر فلسطین و مسجد الاقصی مسلط می شوید.

(إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا)؛

این فقره در میانه پیشگویی سوم (فتنه دوم یهود) و چهارم (سرکوبی فتنه دوم، توسط عبادا لنا)، جمله معترضه برای دفع شبهه جبر الهی و تاریخی معروف است که: اگر این حوادث قطعاً به وقوع می پیوندد، پس جبر الهی است و از ما اختیاری نیست!

پاسخ الهی چنین است این علم قطعی الهی، ملازم با جبر در افعال انسانی نیست و ناظر به احاطه خداوندی به حوادث گذشته و حال و آینده دارد؛ و در این جریانات شما مختارید راه خیر و یا شر را برگزینید: اگر

نیکی کنید برای خودتان است و اگر بدی کنید باز نتیجه اش به خودتان بر می گردد؛ و لیکن شما راه شر و فساد و گردنکشی را همچون گذشته برمی گزینید و به آن ادامه می دهید.

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لَيْسُوا وَجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَبَرَّوْا مَا عُلِّوا تَتَّبِعِرًا (۷)

پس هرگاه موعد تحقق فتنه دوم شما (پیشگویی سوم قرآن کریم) فرا رسد دوباره آن بندگان مومن سلحشور با صلابت را برمی انگیزانیم تا به شما تهاجم کنند (عبارت محذوف به قرینه آیه ۵)، تا شما را سیه روی کرده سخت مجازات کنند و مسجد الاقصی را فتح کنند همانگونه که بار اول فتح نمودند و تمام بنیادهای کفر و فساد را که بر آن سلطه یافته اند، نابود کنند:

تعبیر " وعد الآخرة " (موعد فتنه نهایی)، به جای " وعد الثانیه " در مقابل " وعد اولیها "، گویای آن است که این فتنه دوم جهانی یهود، آخرین فتنه یهود در جهان می باشد که توسط " عبادا لنا " ریشه کن خواهد شد.

بررسی مصادیق مومنان سرکوب کننده دو فتنه جهانی یهود

بررسی تاریخ یهود نشان می دهد که قبل از اسلام، هرگز فتنه ای جهانی از یهود آن هم به مرکزیت فلسطین، سرنژده است بویژه که سرکوب کننده فتنه یهود، مومنان باشند.

بنابراین، دو فتنه جهانی یهود، در دوره اسلام رخ می دهد و توسط " عبادا لنا " بندگان مخلص و سلحشور و جان برکف با صلابت، سرکوب می شود.

پس، این " عبادا لنا " پیروان ثقلین اند؛ و پرچم نهضت و قیامشان، پرچم ثقلین می باشد.

حال، جهت کشف مصادیق این فتنه ها، با توجه به ویژگی های مذکور در قرآن کریم، سیر تاریخی فتنه های برجسته یهود و میزان انطباق آن را با خصائص مذکور قرآنی، اجمالا بررسی می کنیم:

با توضیحات فوق، دو فتنه و سرکوبی اش ۴ ویژگی دارد:

۱. فتنه گر یهودی است؛
۲. مرکز فتنه، فلسطین است؛
۳. فتنه جهانی است و منطقه ای نیست؛
۴. سرکوب کننده فتنه، اهل ایمانند.

اولین حادثه قابل ذکر برجسته، قبل از اسلام، در تاریخ یهود، مربوط به فتنه منطقه ای یهود، در زمان امپراطوری بابل، در سال ۵۸۶ ق.م است. که بر فلسطین سیطره دارد.

این فتنه، توسط بخت النصر، امپراطور بابلی، سرکوب شده تمام آثار یهود در فلسطین نابود شده، بسیاری کشته شده، و بخشی از آنان به اسارت به بابل برده می شوند. بعدها، در سال ۵۳۸ ق.م، کوروش هخامنشی، امپراطوری بابل را شکست داده، یهود به اسارت رفته را آزاد کرده به فلسطین باز می گرداند.

حادثه دوم، فتنه منطقه ای یهود در دوره امپراطوری روم، در ۷۰ میلادی است که بر فلسطین سیطره دارد، که توسط تیتوس رومی، سرکوب شده، در نهایت به شرط خروج یهود از فلسطین، و پراکنده شدن در مناطق دیگر جهان، جنگ به پایان رسید.

علامه طباطبایی و بسیاری از مفسران، معتقد است: مقصود از "عبادا لنا"، "عبد در خلقت" است و دو پیشگویی قرآن، ناظر به دو حادثه فوق است.

حال آنکه، اولاً، این دو فتنه یهود، منطقه ای در داخل دو امپراطوری بابلی و رومی بود، نه جهانی؛

ثانیاً؛ هردوی این امپراطوری سرکوب کننده، بت پرست بودند.

پس این دو حادثه، دو شرط از شرائط مذکور قرآنی را ندارند.

پس هیچ کدام از اینها قبل از اسلام رخ نداده است.

آیا فتنه یهود، در مدینه و جنگ های پیامبر(ص) با یهودیان می تواند مصداق این پیشگوییها باشد؟

پاسخ: خیر؛

چراکه اولاً، مرکز فتنه و سرکوبی آن، در اطراف مدینه بوده نه در فلسطین،

ثانیاً، منطقه ای بوده، نه جهانی؛ پس این حوادث نیز دو شرط از ۴ شرط قرآنی را ندارد.

بعد از این دوره، از یهود حادثه خاصی قابل ذکر نیست؛ مگر برسد به جنگ های صلیبی. در آنجا نیز، فتنه گر مسیحی بود نه یهودی؛ پس این حادثه نیز، حداقل یک شرط قرآنی را ندارد.

بعد از این دوره، فتنه قابل ذکری از یهود، دیده نمی شود؛ تا برسد به قرن ۲۰ میلادی، که با اعلامیه بالفور، و سپس با شکل گیری رژیم جعلی اسرائیل، و رسمیت آن در سازمان ملل، با ائتلاف شیطانی

ابرفد رتهای شرق و غرب سرمایه داری و کمونیست، فتنه جهانی یهود به مرکزیت فلسطین پایه گذاری شد. و پیشگویی اول قرآن محقق گردید:

فتنه گر، یهودی است، مرکز فتنه فلسطین با محوریت مسجد الاقصی است و فتنه، جهانی است؛ حال، ما در مسیر تحقق پیش گویی دوم قرآن کریم هستیم، که با قیام "عبادا لنا"، فتنه اول یهود تبهکار و گردنکش، سرکوب شده، منطقه فلسطین از لوٹ وجودشان پاک شود. با توجه به تعبیر " وعد الاخره" (موعد فتنه نهایی)، نیز، که گویای آن است که فتنه دوم جهانی یهود، آخرین فتنه یهود در جهان می باشد؛ معلوم می شود دفع فتنه اول، قبل از ظهور سرکوب خواهد شد و به سرکوبی آن، به دوره ظهور نخواهد رسید.

چراکه، معنی ندارد فتنه اول یهود تا ظهور امام زمان (ع) امتداد یابد، و انگاه، توسط امام زمان (ع) سرکوب شود و بعد از یک دوره تاریخی در دوره ظهور، دوباره یهود تبهکار و گردنکش سر برآورند و لشکر امام زمان را شکست دهند!

حرکت نظامی امام زمان (ع)، با ابزارهای اعجازی ان، چنان برق اسا و منهدم کننده نظامات شرک و کفر و طغیان است که دیگر مجالی برای جان گرفتن شیاطین و ابراز وجود آنان نخواهد داد.

از اینجا معلوم می شود دفع فتنه جهانی اول یهود اسرائیلی، از مقدمات قطعی ظهور است که بایستی توسط اهل ایمان سرکوب شده یکی از بسترهای قطعی ظهور فراهم شود؛ و الا ظهور رخ نخواهد داد! که توسط "عبادا لنا" ریشه کن خواهد شد. و به عبارت دیگر، راه ظهور از قدس می گذرد!

با توجه به دلالتهای قطعی آیات و روایات، که فتنه گری یهود را تا ظهور امام زمان را افاده می کند معلوم می شود فتنه جهانی دوم یهود مقارن ظهور رخ خواهد داد و در نهایت توسط امام زمان (ع) و لشکر الهی اش سرکوب خواهد شد.

تعبیرات " وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (مائده/ ۶۴) " و "لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ... (مائده/ ۸۲)، نشانگر ان است که فتنه یهود در جهان، تا ظهور امام زمان (ع)، جریان دارد.

تعبیر "الی یوم القیمه" ناظر به آغاز دوره ظهور است نه آنکه در دوره ظهور هم یهود امکان فتنه گری داشته باشند؛ چرا که ایه استخلاف، از ریشه کن شدن هرگونه شرک و کفر و ظلم اجتماعی در دوره استقرار نظام مهدوی خبر می دهد:

"وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور/ ۵۵)

فدر متیقن، مدلول روایات مهدویت نیز موید این معنی می باشد.

و در واقع در منطق دینی، حکومت امام زمان (ع)، به مثابه قیامت صغری است چون تجلی گسترده حق در برابر باطل است و متصل به قیامت می باشد.

خصوصاً که، همراه امام زمان (ع)، گروهی از انبیاء (بیش از ۱۸ نفر)، بویژه حضرت عیسی (ع) و حضرت یوشع (ع)، می باشند که برای اتمام حجت بر یهود و نصاری کفایت می کنند و دیگر عذری برای آنان باقی نمی گذارند؛ و هرکه از یهود و نصاری این انبیاء را انکار کند شرعاً، مرتد است و تکلیف شرعی اش روشن است؛ بنابراین حضور اهل کتاب باقی بر دین خود در دوره استقرار مهدویت معنی ندارد؛ بگذریم این معنی خود نشست مستقلاً را می طلبد؛ و از محوریت بحث ما خارج است.

عمده این است که فتنه های شیاطین در آغاز ظهور قبل از استقرار نظام مهدوی ریشه کن خواهد شد که آخرین آن با توجه به تاکیدات قرآنی و روایات مربوطه، بر شدت عداوت یهود و استمرار آن، ریشه کن شدن فتنه یهود خواهد بود.

پس، فتنه دوم: وعد الاخره: یعنی فتنه نهایی است که از پس آن، کمر یهود تبهکار گردنکش، شکسته شده، ریشه اش کنده می شود. و فتنه بعدی دیگر وجود ندارد.

پس این پیشگویی های قطعی، ناظر به حوادث اخرالزمان تا زمان ظهور، می باشد.

دفع شبهه شرارت "عبادا لنا"

"لیتبروا ما علوا": به قرینه ایه ۴ (لَتَفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا)، یعنی "لیتبروا ما علوا علیه من الشرک و الفساد و العلو":

تا نابود و ریشه کن کنند، هر آنچه را که از فساد و تباهی و مظاهر گردنکشی بنیاد کرده اند.

پس اطلاق "ما" به قرینه صدر آیات مربوطه، محدود و ناظر به مظاهر فساد و تبهکاری و گردنکشی است.

این تقييد دامنه "ما" ی موصوله، نظیر تفاوت تقييد آن در آیات ايتاء به قرينه سياق می باشد:

و "ما آتیكم" الرسول فخذوه و "ما نهیكم" عنه فانتهوا: حشر/۷،

"خذوا ما آتیناكم بقوة و اذكروا ما فيه لعلكم تتقون" (بقره/۶۳، اعراف/۱۷۱)

در آیه اول، مقصود از "ما آتیكم" به قرینه تقابل "ما نهیكم"، صرفا اوامر الهی است و نهی از موارد فسق و فجور و تباهی را شامل نمی شود.

و لیکن در آیه دوم بر خلاف آیه قبل، به قرینه سياق، مقصود از "ما آتیناكم"، همه اوامر و نواهی الهی را شامل می شود؛ چرا که به قرینه "لعلكم تتقون"، "التزام به تقوی" به صرف تلبس به اوامر الهی حاصل نمی شود و تلبس به نواهی الهی را نیز، ضرورت دارد.

پس، استدلال به اینکه، فقره "لِیُنْذِرُوا مَا عَلَوْا تُثْبِيرًا" و اطلاق "ما" نشان می دهد این "عبادا لنا"، قومی شرور و تبهکارند، (المیزان، طباطبایی، ۱۳/۵۶)، تسنیم، جوادی آملی، ج ص)، خلاف سياق صدر آیه می باشد؛

چراکه اولاً، صدر آیه، بر شرارت و تبهکاری و گردنکشی قوم یهود تاکید دارد نه "عبادا لنا"،

و ثانیاً، تحلیل کاربرد وصفی "عبادا لنا" در قرآن نشان داد که این گونه کاربرد، فراتر از تدین عموم اهل ایمان را تذکر می دهد و عموم آنان را شامل نمی شود تا چه رسد که مقصود مشرکان و بت پرستان باشند!

برخلاف برخی از تفاسیر، که تعبیر "اولی باس شدید" را در موارد شرارت تلقی کرده اند، در کاربرد قرآنی، در موارد فعل ممدوح نیز به کار رفته است:

"قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ (نمل/ ۳۳)

"مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" (فتح/۲۹)

"وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ" (حدید/۲۵)

در تنها مورد احتمال مدلول شرارت: "قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتَدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ"، نیز، نظر به شدت عمل دشمنان اسلام از باب صلابت و قدرتمندی دارد و لزوماً، به معنی شرارت نیست.

توضیحات بیشتر مباحث مندرج در طرحنامه، در مقاله پیوست آمده است.

وحدت اشخاص "عبادا لنا" در سرکوبی دو فتنه جهانی یهود یا وحدت شخصیت آنان؟

مرجع فاعلی فعل "لِيسُوا" به "عبادا لنا" برمی گردد؛ حال ایا به شخص آنان برمی گردد یا به شخصیت آنان؟؛ خداوند عزیز حکیم، از باب حکمت بالغه اش این بخش از حادثه را به ابهام ذکر می کند.

اگر به شخص آنان برگردد یعنی همان مجاهدانی که در دفع شرارت جهانی اول یهود شرکت دارند؛ همان کسانی اند که توفیق درک ظهور امام زمان (ع) و شرکت در دفع فتنه جهانی نهایی یهود در خدمت امام زمان را دارند؛ یعنی فرد مجاهد که در دفع فتنه اول یهود، در سن جوانی است؛ در دفع فتنه دوم یهود، قبل از سن کهولت، ظهور امام زمان (ع) را درک کرده تحت فرمان حضرت در این جهاد مشارکت خواهد داشت. (اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه؛ تعز بها الاسلام و اهله و تضل بها النفاق و اهله)

اما اگر مرجع فاعلی به شخصیت "عبادا لنا" برگردد؛ نه به شخص آنان؛ دیگر فاصله سرکوبی دو فتنه، و به عبارت دیگر فاصله سرکوبی فتنه اول یهود تا درک ظهور امام زمان (ع)، و دفع فتنه دوم یهود، نامشخص است.

لیکن به نظر می رسد با توجه به تربیت و رهنمود دینی، مرجع فاعلی به شخص "عبادا لنا" برمی گردد نه به شخصیت آنان!

چراکه اولاً، دفع فتنه جهانی اول یهود نیاز به جان فشانی فراوان "عبادا لنا" در مسیر نصرت الهی و نصرت دین خدا دارد؛

و ثانیاً، امام زمان (ع)، مظهر نصرت اعظم الهی است و خداوند منان وعده فرموده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ" (محمد/ ۷)

ثالثاً؛ خداوند منان وعده فرموده، دعای از صدق دل و با حصول لیاقت مستجاب است:

"وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ" (بقره/ ۱۸۶) / "وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ" (غافر/ ۶۰)

رابعا، خداوند فرموده است: در امر مقدرات، کتاب محو و اثبات دارد که با عملکرد و دعای مقبول، قابل تجدید نظر و تغییر است:

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (رعد/ ۳۹)

و در احادیث، نیز آمده است: "الدعا يرد القضاء المبرم" (خصال، صدوق، ۶۲۰)

حال که "عبادا لنا" که از منتظران صادق ظهورند؛ و توفیق نصرت اعظم الهی را در دفع فتنه جهانی اول یهود را دریافت نموده اند؛ و با این توفیق به نوعی امدادی و لیاقتشان را برای تحقق فرامین امام زمان (ع)، در عمل نشان داده اند؛ با این توجه ان شاء الله المنان، دعای تعجیل فرجشان، به برکت لیاقت و فداکاری الهی اشان، مستجاب است و ظهور را درک خواهند نمود.

"اللهم عجل لفرج مولانا صاحب الزمان (ع)" امین یا رب العالمین.

نقش ایرانیان در دفع فتنه یهود و بستر سازی برای ظهور

از آیات شریفه بر می آید "عبادا لنا" برجسته ترین افراد در میان امت اسلام می باشند که رسالت سرکوبی شرارت بزرگ یهود را در آخر الزمان برعهده دارند.

در فرهنگ قرآنی با توجه به اشارات روایی، حداقل ۵ بار از این امت آخرالزمانی محبوب خدا و مجاهد فی سبیل الله سخن به میان آمده است که پرچمدار علم (اشاره به اقتدار اجتماعی اقتصادی نظامی سیاسی دانش بنیان) و دین در آخرالزمان می باشند که، بنا بر روایات فریقین، همان "قوم سلمان، امت ایران" می باشند:

- "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ" (مائده/ ۵۴)
- "أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُو بِهَا بِكَافِرِينَ (انعام/ ۸۹) / " وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ" (محمد/ ۳۸)

- "وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ" (جمعه/ ۳)
- «و روى أن النبي صلى الله عليه و آله سئل عن هذه الآية (مائده/ ۵۴)، فضرب بيده على عاتق سلمان فقال هذا و ذووه ، ثم قال: لو كان الدين معلقا بالثريا لناله رجال من أبناء فارس» (نور الثقلين، ۱/ ۶۴۲)
- «أخرج سعيد بن منصور وابن جرير و ابن المنذر و ابن أبي حاتم و ابن مردويه عن أبي هريرة رضي الله عنه قال لما نزلت «و ان تتولوا يستبدل قوما غيركم (محمد/ ۳۸)؛ قيل: من هؤلاء؟ و سلمان رضي الله عنه إلى جنب النبي صلى الله عليه و سلم؛ فقال(ص): هم الفرس؛ و هذا و قومه» (الدر المنثور ، ۶/ ۶۷)
- و أخرج عبد الرزاق وعبد بن حميد و الترمذي و ابن جرير و ابن أبي حاتم و الطبراني في الأوسط و البيهقي في الدلائل عن أبي هريرة رضي الله عنه قال تلا رسول الله صلى الله عليه وسلم هذه الآية: «و ان تتولوا يستبدل قوما غيركم ثم لا يكونوا أمثالكم» (محمد/ ۳۸)
- فقالوا: يا رسول الله؛ من هؤلاء الذين ان تولينا استبدلوا بنا ثم لا يكونوا أمثالنا ؟
- فضرب رسول الله صلى الله عليه و سلم على منكب سلمان ثم قال(ص): هذا و قومه؛ و الذي نفسي بيده لو كان الايمان منوطا بالثريا لتناوله رجال من فارس» (الدر المنثور ، ۶/ ۶۷)
- و أخرج سعيد بن منصور و البخاري و مسلم و الترمذي و النسائي و ابن جرير و ابن المنذر و ابن مردويه و أبو نعيم و البيهقي معا في الدلائل عن أبي هريرة قال كنا جلوسا عند النبي صلى الله عليه و سلم حين أنزلت سورة الجمعة فتلاها فلما بلغ «و آخرين منهم لما يلحقوا بهم» (جمعه/ ۳) قال له رجل: يا رسول الله من هؤلاء الذين لم يلحقوا بنا ؟ فوضع يده على رأس سلمان الفارسي و قال(ص): و الذي نفسي بيده لو كان الايمان بالثريا لناله رجال من هؤلاء» (الدر المنثور، ۶/ ۲۱۵)
- و أخرج سعيد بن منصور و ابن مردويه عن قيس بن سعد بن عبادة ان رسول الله صلى الله عليه و سلم قال:«لو أن الايمان بالثريا لناله رجال من أهل فارس» (الدر المنثور، ۶/ ۲۱۵)
- «... عن جعفر عن أبيه (ع) أن رسول الله (ص)، قال: لو كان العلم منوطا بالثريا لتناوله رجال من فارس» (قرب الإسناد، ؛ بحار الانوار، ۱/ ۱۹۵)

- حدثنا عبد الله حدثني أبي، ثنا عبد الوهاب بن عطاء، ثنا عوف عن شهر بن حوشب قال: قال أبو هريرة: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: لو كان العلم بالثريا لتناوله ناس من أبناء فارس» (مسند احمد، ٢ / ٤٢٠؛ جامع الصغير، السيوطي، ٢ / ٤٣٤؛ كنز العمال، ١١ / ٦٩١؛ ح ٣٣٣٤٣، ١٢ / ٩١ ح، ٣٤١٣١)

حال با توجه به شأن اخرازماني امت ايران، در آيات و روايات مذکور، ذیل آيات سوره اسراء، روايات متفرقی تاريخی، و رواياتی منتسب به اهل بيت (ع)، ناظر به مصاديق "عبادا لنا" امده است که با توجه بررسی قرآن محوره اين مصاديق ادعايي، صرفا دو دسته روايات با مدلول آيات مذکور هماهنگ است: رواياتی که "عبادا لنا" را اهل قم و رواياتی که آنان را از اصحاب امام زمان (ع) معرفی می کند:

- «عن بعض أصحابنا (قال): كنت عند أبي عبد الله (ع) جالسا إذ قرأ هذه الآية: «فإذا جاء وعد أولاهما بعثنا عليكم عبادا لنا أولي بأس شديد، فجاسوا خلال الديار و كان وعدا مفعولا»
- فقلنا: جعلنا فداك، من هؤلاء؟ فقال: ثلاث مرات: هم و الله أهل قم!» (بحار الانوار، ٦٠ / ٢١٦)
- عن حمران ، عن أبي جعفر عليه السلام قال كان يقرأ: " بعثنا عليكم عبادا لنا أولي بأس شديد " ثم قال : « و هو القائم (ع) و أصحابه أولي بأس شديد» (تفسير العياشي، ؛ بحار الانوار، ج ٥١ ص ٥٧)

طبعاً، مقصود از "اهل قم" بنا بر روايات ديگر، يا "اهل قيام در راه خدا" را تذكر می دهد؛ و يا به مرجعيت و رهبری قيام بر عليه يهود تبهكار سرکش را نظر دارد که از قم می باشد:

- "وعن علي بن عيسى ، عن أيوب بن يحيى الجندل ، عن أبي الحسن الأول عليه السلام قال : رجل من أهل قم يدعوا الناس إلى الحق ، يجتمع معه قوم كزبر الحديد ، لا تزلهم الرياح العواصف ، ولا يملون من الحرب ، ولا يجبنون ، وعلى الله يتوكلون ، والعاقبة للمتقين" (بحار، ٥٧ / ٢١٦)
- وبإسناده عن عفان البصري ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قال لي : أتدري لم سمي قم ؟ قلت : الله و رسوله و أنت أعلم . قال : إنما سمي قم لان أهله يجتمعون مع قائم آل محمد - صلوات الله عليه - و يقومون معه و يستقيمون عليه. (همو، همان)

- وروي عن عدة من أهل الري أنهم دخلوا على أبي عبد الله عليه السلام وقالوا : نحن من أهل الري . فقال : مرحبا بإخواننا من أهل قم ! فقالوا : نحن من أهل الري فأعاد الكلام ، قالوا ذلك مرارا و أجابهم بمثل ما أجاب به أولا" (بحار، ۵۷ / ۲۱۶)

در شرائط کنونی، ملاحظه می شود: که فتنه جهانی اول یهود به وقوع پیوسته، و بیش از ۷۵ سال است که به شرارت خود ادامه می دهد.

در مقابل آن جبهه مقاومت اسلامی به رهبری مقتدر ایران، است که مکرر، اسرائیل را با ضرباتی دردناک بویژه با وعده صادق ۳، نواخته است و چشم امید امت اسلام در دفع تبهکاری و شرارت یهود، به محوریت ایران و رهبری ایران دوخته شده است که امید است ان شاء الله، هرچه زودتر، به ریشه کن شدن این غده سرطانی بیانجامد؛ "امین یا رب العالمین"

ب. سوابق دانشی: تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟ معمولا، جایگاه بحث از دو فتنه یهود، تفاسیر روایی و تحلیلی فرق اهل سنت و امامیه ذیل آیات ۴ الی ۷ سوره بنی اسرائیل می باشد و نیز کتبی که حاوی روایات مهدویت و حوادث آخر الزمان می باشد.

ج. موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری طرحنامه بطور واضح و روشن تعیین شود. تحلیل قرآن محوره و بررسی و نقد اقوال در مدلول آیات مذکور و تعیین مصادیق پیش گوی های قرآن کریم از پس نقد قرآن محوره اقوال می باشد.

د. فرایند: فرایندی که در آن فرضیه/ایده/مدل/ نظریه حاصل شده است، بطور دقیق شرح داده شود. تدبیر مکرر در آیات مربوطه، بررسی مکرر آیات مذکور در تفاسیر روایی و تحلیلی امامیه و اهل سنت، مطالعه منابع تاریخی ناظر به تاریخ یهود، و بررسی و نقد آنها با نگرش قرآن محوره مورد تاکید علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، نمونه و تسنیم.

ه. منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.
تفسیر المیزان، تسنیم، بحار الانوار، نور الثقلین، الدر المنثور، خصال صدوق، مسند احمد، جامع الصغیر السیوطی؛ کنز العمال. و ...